یکشنبه ۲۵ آذر ۱۴۰۳
شماره ۴۳۰۴
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

اردوغان از جنبه اقتصادی و امنیتی امکان ادامه پروژه بلندپروازانه‌اش در سوریه را دارد؟

سلطان و شبان

سیدمهدی طالبی
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

ترکیه از سقوط نظام سیاسی کشور همسایه‌اش خوشحال است. به زعم آنکارا این دولت مانع نفوذ گسترده این کشور بر سوریه می‌شد. ترکیه اما فراموش کرده که به جای نظام سیاسی پیشین سوریه، تروریست‌ها بر دمشق حاکم شده‌اند و هرگونه قدرت یا ضعفشان تبعات سنگینی برای ترکیه خواهد داشت؛ قدرت آن‌ها تروریسم را به ترکیه سرایت داده و ضعفشان با ایجاد هرج‌ومرج، پیرامون این کشور را ناامن می‌کند. آنکارا به قدری از اتفاقات سوریه خرسند است که همراه با ارتش رژیم صهیونیستی که از جنوب در حال پیشروی به سمت نواحی جنوب سوریه است، استقرار نظامی‌اش را در شـــمال این کشور تقویت و گســـترده‌تر کرده است. رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه خود نیز می‌داند به تروریست‌ها اعتمادی نیست و از این رو یگان‌های بیشتری از ارتش خود را به سوریه گسیل کرده است. رئیس جمهور ترکیه می‌دانست می‌خواهد نظام سیاسی سوریه را سرنگون کند اما نمی‌داند در آینده چه خواهد شد. به همین دلیل او در روزهای اخیر برای بستن دهان منتقدان و اپوزیسیون داخلی، بدون آنکه بتواند به فرصت‌های سقوط نظام سیاسی سوریه برای کشورش اشاره کند، صرفاً خروج اسد از دمشق و ورود جولانی به آن را دستاورد خود معرفی کرده است. ترکیه امروز در موقعیت حساسی قرار گرفته که بدون فرصتی قابل توجه، تنها هزینه‌های سنگینی برایش خواهد داشت. در ادامه این گزارش به هزینه‌های سنگین و رو به افزایش ترکیه در سوریه اشاره شده است.

۱. هزینه‌های سیاسی

دیدگاه‌های اسلامی رادیکال در ادلب که مجاور مرزهای جنوبی ترکیه است، می‌تواند تبعاتی برای این کشور داشته باشد، به ویژه آنکه در ترکیه به طور سنتی جمعیتی از عرب‌ها نیز حضور دارند. این اقلیت ۴ تا ۶ درصد جمعیت ترکیه یا حدود ۵ میلیون نفر را شامل می‌شود. همسر رجب طیب اردوغان و ابراهیم کالین، رئیس سازمان اطلاعات ترکیه هردو از اقلیت عرب‌تبار ترکیه‌اند.

اسلامگرایان رادیکال که بر سوریه دست یافته و منشأشان ادلب است، می‌توانند در میان‌مدت و بلندمدت اثرگذاری بدی بر ترکیه داشته باشند و اگر در ارتباط با ارکان سیاسی و جامعه ترکیه، دیدگاه‌های خود را به آن‌ها منتقل کنند، این کشور نیز رادیکالیسم را تجربه خواهد کرد.

از سوی دیگر باید توجه داشت، بخش بزرگی از مهاجران سوری با وجود سرنگونی نظام سیاسی سوریه در ترکیه خواهند ماند. این مهاجران نه به خاطر ضدیت با نظام سیاسی سوریه و یا ترس از انتقام‌جویی‌ها، بلکه به دلیل ناامنی عمومی و بحران اقتصادی به ترکیه آمده‌اند و شاید طرفداران و نظامیان نظام سابق هم در میان آن‌ها به وفور یافت شوند.

بر همین اساس امروزه نزدیک به ۱۰ میلیون عرب و عرب‌تبار در ترکیه زندگی می‌کنند که احتمال می‌رود با رخ دادن فروپاشی اجتماعی در سوریه، تعداد آن‌ها باز هم افزایش یابد. در فقدان امکان بازگرداندن آنان به سوریه و یا تخلیه‌شان به سمت اروپا، ترکیه ناگزیر از تحمل آنان برای مدت زمانی طولانی خواهد شد.

خطر جدی به لحاظ سیاسی، تولید نمونه‌های مشابه با تحریرالشام در ترکیه است. قطعاً با توجه به آزادی بیشتر و رواج فرآیندهای دموکراتیک در ترکیه، آن‌ها اسلحه به دست نخواهند گرفت، اما رادیکالیسمشان می‌تواند صحنه سیاسی این کشور را عرصه آشوب و تندروی کند.

ترکیه در ادلب برای تحریرالشام یک حکومت محلی ایجاد کرده بود تا آن‌ها برای تسلط بر سوریه یا اقلیم‌سازی ادلب آماده شوند. این مسئله نشان می‌دهد آن‌ها با توجه به سابقه دولت‌داری با فنون سیاسی آشنا شده و ارتباطات درهم‌تنیده‌ای نیز با مقامات و جامعه ترکیه یافته باشند.

نهادهای دولتی و اسلامگرایان ترکیه در آینده تحت‌تأثیر دیدگاه‌های تحریرالشام و تفکرات سلفی‌گرایانه قرار می‌گیرند که لازمه تشکیل لابی حاکمان فعلی دمشق در آنکاراست.

۲. هزینه‌های اقتصادی

به نظر می‌رسد هزینه اداره استان ادلب در شمال سوریه را قطر تقبل کرده و ترکیه در حوزه پشتیبانی عمل می‌کند. هزینه‌های چنین حکومتی از جنبه‌های مختلف، ورای اداره معمول یک استان بود.

جمعیت ادلب در سال‌های اخیر شامل ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر محلی بوده که علاوه بر آن یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر نیز از استان‌های دیگر به آنجا آمده بودند. از این میزان یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر در اردگاه‌هایی نزدیک مرز ترکیه زندگی می‌کنند. این افراد اغلب از مخالفان اسد و خانواده‌هایشان هستند. جمعیت کلی این استان امروزه تقریباً نزدیک به ۴ میلیون نفر است.

تأمین غذا، دارو و خدمات عمومی برای ساکنان، بخشی از هزینه‌های ایجاد دولت خودگردان در ادلب توسط ترکیه و قطر بود. در میان ساکنان، به طور تخمینی ۷۰ تا ۸۰ هزار فرد مسلح هم حضور داشتند که ماهانه صدها دلار دستمزد می‌گرفتند.

در کنار تأمین معیشت و امکانات برای ساکنان و افراد مسلح، هزینه‌های نگهداری نظامی از ادلب هم بالا بود. در اطراف این استان، نیروهای ارتش سوریه و ارتش روسیه حضور داشتند که در سال ۲۰۱۹ موفق شده بودند تقریباً یک‌سوم جنوبی این استان را از وجود تروریست‌ها پاکسازی کنند. استقرار نظامی سنگین در اطراف ادلب، هزینه‌های گسترده‌ای به تروریست‌ها تحمیل می‌کرد. قطعاً ترکیه خود از پس تمام هزینه‌های نگهداری ادلب برنمی‌آمد و احتمالاً سهم بزرگی از هزینه‌ها را قطر پرداخت می‌کرده است.

ادلب بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین منطقه تحت کنترل ترکیه و تروریست‌های وابسته به این کشور در سوریه است، اما تنها مورد نیست. ترکیه کمی آن‌طرف‌تر از ادلب و در شمال حلب، یک نوار مرزی دیگر را هم کنترل می‌کند.

اگر در نیمه غربی شـــمال سوریه، تحریرالشام سردسته تروریست‌های وابسته به ترکیه اســـت، در نیمه شرقی شمال سوریه، این گروه تروریستی موسوم به «ارتش ملی سوریه» است که تحت اراده آنکارا فعالیت می‌کند. در مقابل تحریرالشام که با دولت سوریه مبارزه می‌کرد، ارتش ملی سوریه علیه کردها می‌جنگید.

هزینه تأمین نیازهای ادلب و نوار مرزی در شمال سوریه برای ترکیه کمرشکن بود و از این پس آنکارا مسئول معیشت و هزینه‌های مناطق گسترده‌تری از این کشور است. امروزه بیشتر از ۱۵ میلیون نفر در مناطق تحت تصرف تروریست‌های وابسته به ترکیه زندگی می‌کنند. به معنای دیگر، هزینه فعالیت‌های برون‌مرزی ترکیه دست‌کم سه برابر خواهد شد. اگر قطر در نگهداری از ادلب مبالغی در اختیار ترکیه قرار می‌داد، باید دید آیا میزان کمک‌هایش را به همین نسبت سه برابری افزایش خواهد داد یا نه.

۳. هزینه‌های نظامی

ارتش ترکیه به طور گســـترده‌ای در شمال سوریه و عراق استقرار دارد. یگان‌های ارتش ترکیه همراه با زره‌پوش‌ها، تانک‌ها، توپخانه، پهپادها و بالگردهای خود در این مناطق مستقر شده و پایگاه‌های دائمی ایجاد کرده‌اند. تخمین‌ها نشان می‌دهد ترکیه در ســـوریه ۱۰ هزار نیرو و در عراق بین ۵ تا ۱۰ هزار نیرو دارد. مجموع این تعداد به ۲۰ هزار نفر می‌رسد.

هزینه نگهداری این میزان از نیرو که معادل یک لشکر کامل است، شامل موارد زیادی مانند ایجاد پایگاه‌های نظامی مستحکم، تأمین امنیت محیط چندکیلومتری اطراف آن‌ها که نیازمند نصب تجهیزات مراقبتی و پرواز مداوم پهپادهاست، نقل و انتقالات گسترده و گران هوایی و استفاده مداوم از مهمات و سلاح‌ها برای مقابله با گروه‌های محلی می‌شود. با توجه به بغرنج شدن اوضاع امنیتی در شرق سوریه و تهییج ترکیه برای گسترش حضور نظامی مستقیم در سوریه، آنکارا باید بودجه بیشتری را برای امور نظامی در خارج از مرزهای خود اختصاص دهد.

۴. هزینه‌های اجتماعی

از جمعیت تقریباً ۲۵ میلیون نفری سوری‌ها، بین ۵ تا ۷ میلیون نفر به دنبال جنگ از کشورشان خارج شده‌اند. این جمعیت معادل یک‌چهارم تا یک‌سوم سوریه است. احتمال بالایی وجود دارد که به دنبال تســـلط تروریست‌ها بر حکومت که از هم گسیختگی امور را در پی دارد، وضعیت اقتصادی بیشتر از گذشته رو به وخامت برود. گفته می‌شـــود یکی از دلایل فروپاشی سریع نظام سیاسی سوریه، مشکلات اقتصادی بود. به عنوان نمونه حقوق نظامیان سوریه به ماهانه ۲۵ دلار می‌رسید که کمتر از حداقل هزینه ماهانه برای زندگی بود. پیش‌بینی می‌شود به دنبال فروپاشی نظام سیاسی و در پی‌آمد آن، یک فروپاشی اجتماعی با چاشنی مشکلات اقتصادی و امنیتی رخ دهد.

در این صورت، میلیون‌ها سوری آواره خواهند شد. این جمعیت راهی جز اسکان در کشورهای همسایه ندارند. از میان همسایگان، لبنان و اردن وضعیت اقتصادی مناسبی ندارند و مهاجرت به عراق نیز دشوار است. مناطق شرقی سوریه تحت‌تأثیر کردها، ارتش آمریکا و داعش است و از این رو وضعیت امنیتی اجازه مهاجرت در تعداد بالا به عراق را نمی‌دهد؛ چه اینکه پس از پشت سر گذاشتن مسیر طولانی شـــرق سوریه، غرب عراق نیز تا حدی ناامن است. همچنین رسیدن به مرزهای عراق به معنای اسکان نیست زیرا جمعیت‌های انبوه آوارگان باید به مناطق مرکزی و جنوبی عراق حرکت کنند که امکان‌پذیر نیست. در مقابل ترکیه اقتصاد و امنیت بهتری داشته، دسترسی به آن از سوریه آسان‌تر است و آوارگان می‌توانند بلافاصله پس از ورود به خاک آن، در شهرهای مرزی‌اش ساکن شوند.

۵. هزینه‌های بین‌المللی

به طور آشکاری مسئولیت سقوط نظام سیاسی سوریه و تبعات اقدامات تحریرالشام بر عهده ترکیه اســـت. روز پنجشنبه هفته گذشته «هاکان فیدان»، وزیر خارجه و «ابراهیم کالین»، رئیس ســـازمان اطلاعات ترکیه به دمشق سفر کرده و به طور نمادین از مســـجد اموی بازدید کردند. آن‌ها با این سفر رسماً خود را در جایگاه متولی امور نشاندند.

هرگونه مشکل مردمی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی در سوریه و تقویت تروریسم به ترکیه مربوط خواهد شد. از این رو جامعه بین‌الملل همانطور که پاکستان را مسئول فروپاشی نظامی سیاسی و اغتشاش در افغانستان تشخیص داد، ترکیه را نیز درباره مشکلات آتی سوریه مقصر خواهد شناخت.

۶. هزینه‌های حیثیتی

سقوط نظام سیاسی سوریه تاکنون هزینه‌های حیثیتی زیادی برای ترکیه داشته و باعث شده این کشور متهم به همکاری با رژیم صهیونیستی و پادویی برای آمریکا شود. در وهله اول، تنها ساعاتی پس از اجرایی شدن آتش‌بس میان لبنان و رژیم صهیونیستی، تروریست‌های وابسته به ترکیه به حلب حمله کرده و توافقات آتش‌بس را نقض کردند.

این اقدام ترکیه تلاشی برای تضعیف مقاومت لبنان در برابر صهیونیست‌ها در طول آتش‌بس ارزیابی شد؛ هرچند تبعات این همکاری برای حیثیت ترکیه سنگین بود اما اتفاق بعدی اوضاع را بدتر کردند.

دومین ضربه حیثیتی به ترکیه، اقدامات سنگین رژیم صهیونیستی علیه سوریه با سکوت رضایت‌بخش تروریست‌های وابسته به ترکیه و همچنین خود آنکارا بود. رژیم صهیونیستی با بمباران‌های شدید، دارایی‌های نظامی سوریه را منهدم کرد که به نابودی تمام نیروی هوایی، پدافند هوایی، نیروی دریایی و قوای موشکی این کشور منجر شد. همزمان نیروهای ارتش رژیم صهیونیستی سه مرحله پیشروی زمینی در خاک سوریه انجام دادند. آن‌ها در ابتدا منطقه حائل در جولان را تصرف کرده و در گام بعدی تمام جولان تحت کنترل سوریه را اشغال کردند. صهیونیست‌ها در مرحله سوم به نزدیکی‌های دمشق رسیده‌اند. گفته می‌شود یگان‌های پیشرو ارتش رژیم صهیونیستی که در استان ریف دمشق مستقر شده‌اند، فاصله‌ای کمتر از ۲۰ کیلومتر با مرکز پایتخت دارند.

هنوز مشخص نیست ترکیه چه دستاوردی از سقوط نظام سیاسی سوریه کسب کرده است، اما مشخص شده بیشترین استفاده ظاهری را تاکنون رژیم صهیونیستی و «بنیامین نتانیاهو»، نخست‌وزیر آن کسب کرده‌اند.

استفاده رژیم صهیونیستی از فرصت نابودی نظامی سیاسی سوریه، یک جنبه از ضربه به حیثیت ترکیه است. مردم سوریه که به دلیل نقش ترکیه در نابودی کشورشان دل خوشی از آن ندارند، با مشاهده جنایات تروریست‌ها و از هم گسیختگی امور، تظاهرات علیه تروریست‌ها را آغاز کرده‌اند. طی روزهای گذشته این تظاهرات از دمشـــق گرفته تا حمص و حتی ادلب برگزار شده است. رسانه‌های پشتیبان تروریست‌ها تلاش کرده‌اند این تجمعات و اعتراضات را اغلب و به دروغ، جشن سقوط نظام سیاسی سوریه جا بزنند.

۷. هزینه‌های داخلی

افزایش تعداد کشته‌ها، هزینه‌های نظامی، اختصاص منابع مالی برای حمایت از تروریســـت‌ها و مواردی از این دست می‌تواند به بروز مخالفت‌های داخلی در ترکیه منجر شود. اردوغان طی روزهای اخیر تلاش کرد با اعلام سقوط نظام سیاسی سوریه به‌عنوان دستاورد خود، به مخالفان داخلی حضور نظامی و نیابتی ترکیه در سوریه پاسخ دهد. نوع پاسخ‌ها و استدلال‌های اردوغان نشان می‌دهد این فشارها به میزانی بوده‌اند که رئیس جمهور ترکیه تند و برافروخته به آنان تاخته است. اردوغان در جریان یکی از سخنرانی‌های خود اعلام کرده است: «رهبران اپوزیسیون ترکیه همیشه می‌پرسند که ترکیه در سوریه چه می‌کند؟» او در ادامه تحولات سوریه را به‌عنوان دستاوردی برای خود معرفی کرده و خطاب به مخالفان گفته است: «بشار اسد، رهبر سوریه در حال حاضر کجاست؟ و مخالفانی که ما از آن‌ها حمایت کردیم، کجا هستند؟»

رئیس جمهور ترکیه درباره سوریه همچنان جوابی قانع‌کننده به مخالفان داخلی نداده اســـت. مخالفان داخلی به دنبال خلع اسد یا نشاندن رهبر تروریست‌ها بر کرســـی حکومت سوریه نبودند، بلکه استدلال می‌کردند ترکیه برای حمایت از تروریست‌ها هزینه‌های همه‌جانبه سنگینی را متحمل می‌شود اما درنهایت نیز توفیقی نخواهد یافت.

اردوغان نیز به دلیل خالی بودن دستش از استدلال‌های مؤثر، به سقوط اسد و روی کار آمدن جولانی به‌عنوان دستاورد خود اشاره کرده است.

۸. هزینه‌های منطقه‌ای

ترکیه با دخالت‌های خود و اشغال خاک یک همسایه، نظام سیاسی آن را ساقط کرده است. سوریه تنها همسایه ترکیه و تنها دولتی که در شعاع تأثیر این کشور قرار می‌گیرد، نیست. فعالیت‌های ترکیه در سال‌های اخیر به‌شدت برای کشورهای منطقه گران تمام شده است. بر همین اساس، بلوک امارات و عربستان در همراهی با مصر در مقابل بلوک ترکیه و قطر در منطقه صف‌آرایی کرده است. از سوی دیگر محور مقاومت نیز با وجود ارتباطات با ترکیه، وقایع سختی را پشت سر گذاشته است. اشغال شمال سوریه و عراق توسط ترکیه، نشان‌دهنده رقابت زیان‌بار و غیراصولی آنکارا با دولت‌های مجاور خود است.

اگر دولت ترکیه به‌عنوان یک دولت هیمنه‌گر شـــناخته شود، یکی از تبعات آن شکل‌گیری ائتلاف‌های ضدترکیه‌ای و تلاش دیگران برای دخالت در این کشور خواهد بود. برخی معتقدند در جریان رقابت‌های منطقه‌ای میان امارات و ترکیه بود که ابوظبی در جریان کودتای ۲۰۱۶ ترکیه تلاش کرد اردوغان را سرنگون کند.

پارلمان کره جنوبی رأی به برکناری رئیس‌جمهور داد

کیم جونگ اونِ سئول رفت

حانیه قاسمیان
خبرنگار گروه جهان‌شهر

بر فهرست نسبتاً طولانی روسای جمهور مستعفی در کره جنوبی، یک نام دیگر اضافه شده: یون سوک یول، رئیس کره جنوبی. او روز شنبه اعلام کرد که پس از استیضاح و برکناری توسط پارلمان، از سمت خود کناره‌گیری خواهد کرد. این استیضاح نه‌تنها به دلیل اعلام حکومت نظامی از سوی رئیس جمهور، بلکه به دلیل فسادهای گسترده و رویکردهای تهاجمی رئیس جمهور نسبت به کره شمالی صورت گرفته است.

یون در مصاحبه‌ای با تلویزیون گفت: «من بســـیار ناامیدم اما باید کناره‌گیری کنم.» در دو هفته گذشته، بحران سیاسی شدیدی در کره جنوبی به دلیل اقدامات رئیس جمهور شکل گرفت. سوم دسامبر ۲۰۲۴، یون با ادعای تهدیدهایی از سوی «نیروهای ضددولتی طرفدار شمال کره» و تلاش‌های مخالفان برای تضعیف دولت، از جمله قطع بودجه و پیگیری طرح استیضاح‌ش، اعلام وضعیت حکومت نظامی کرد. او با اشاره به این تهدیدات، اعلام کرد این تصمیم برای حفاظت از امنیت ملی و حفظ آزادی‌های دموکراتیک کشور ضروری است. اما این اقدام که شامل اعزام نیروهای نظامی به مجلس ملی برای جلوگیری از رأی‌گیری برای لغو حکومت نظامی بود، موجب نگرانی مردم و پارلمان کره شده بود.

دولت یون از ارتش برای مسدود کردن تلاش‌های مجلس جهت لغو وضعیت حکومت نظامی استفاده کرد. در آن روز سربازان به قصد بازداشت رهبران سیاسی، قضات و اعضای جامعه مدنی وارد عمل شدند. این اقدامات توسط منتقدان به عنوان تجاوز آشـــکار به قانون اساسی و نهادهای دموکراتیک کشور تلقی شد. طبق قانون اساســـی کره جنوبی، رئیس جمهور فقط در شرایط جنگ یا بحران ملی مجاز به اعلام حکومت نظامی است و بسیاری این اقدامات یون را به عنوان استفاده نادرست از قدرت ارزیابی کردند. اعلام حکومت نظامی یادآور دوران دیکتاتوری نظامی دهه ۱۹۸۰ بود و به بی‌ثباتی سیاسی در کره جنوبی دامن زد. در جریان این بحران، فرماندهی نظامی از اجرای برخی دستورات یون خودداری کرد. طبق قانون اساسی سئول، با رأی پارلمان به استیضاح، رئیس جمهور از مقام خود تعلیق می‌شـــود تا دادگاه قانون اساسی در یک بازه ۱۸۰ روزه، فرصت پیدا کند تا درباره آینده سیاســـی رئیس جمهور تصمیم‌گیری کند و یا او را برکنار و یا مجدداً به مقامش بازگرداند.

یون و بایدن؛ یک داستان عاشقانه

با روی کار آمدن یون، بندناف اتصال امنیتی و نظامی ایالات متحده و کره جنوبی محکم‌تر شد و یون بر هم‌پیمانی امنیتی و نظامی خود با ایالات متحده و پیگیری سیاست‌های این کشور در خصوص چین و کره شمالی تأکید کرد. از اولین مقاصد سفر خارجی یون پس از تحویل سمت ریاست‌جمهوری، ایالات متحده بود. سفری که بسیاری از شهروندان کره آن را سنگ بنای تجدید اعتماد میان سئول و واشنگتن در اتحادهای نظامی-امنیتی می‌دانستند. به گواهی بروکینگز، در دوره ریاست‌جمهوری یون، کره در اجلاس‌های ناتو نقش و حضور پررنگ‌تری ایفا کرد و روابط نظامی میان کره و اتحادیه اروپا پس از چند سال سردی، تقویت شد که این امر را به حاشیه راندن دیپلماسی میان کره شمالی و کره جنوبی می‌دانستند. اتحاد آمریکا و کره جنوبی یکی از ارکان کلیدی شبکه امنیتی ایالات متحده در منطقه هند-آرام (Indo-Pacific) محسوب می‌شود و نقش مهمی در آنچه که آن را مهار کره شمالی و ارسال پیام بازدارندگی به چین و روسیه می‌خوانند، ایفا می‌کند. در سال‌های اخیر، دولت یون سوک یول با تقویت روابط با آمریکا و همکاری با ژاپن، سیاست‌های سختگیرانه‌ای علیه کره شمالی اتخاذ کرده است. دولت بایدن تلاش کرده با تقویت همکاری نظامی و اعلام تعهدات قوی‌تر در قالب «اعلامیه واشنگتن»، اعتماد کره جنوبی به تعهدات امنیتی آمریکا را بازگرداند. با این حال، کره جنوبی همچنان نسبت به آینده این اتحاد نگران است. نگرانی‌هایی که زرادخانه هسته‌ای پیونگ‌یانگ که اکنون به یک تهدید دائمی تبدیل شده و همکاری روسیه و کره شمالی که تهدید جدید و جدی‌ای ایجاد کرده، به این اضطراب دامن زده‌اند. امـــا عامل اصلی که کره‌ای‌ها را نگران می‌کند و به ادعای بروکینگز احتمالاً در اســـتعفای رئیس جمهور کره بی‌تأثیر نباشد، این باور است که بازگشت ترامپ به کاخ سفید ممکن است رویکرد تقویت اتحاد دولت بایدن را پایان دهد، بار دیگر به رواج رهبری ضداتحاد و درخواست‌های سنگین برای تقسیم بار منجر شود و حتی کاهش نیروهای آمریکایی در شبه‌جزیره کره را به همراه داشته باشد. این نگرانی‌ها در سطح حاکمیت کره جنوبی مجدداً بحث‌ها و مطالبه‌ها درباره تســـلیح شدن کره جنوبی به سلاح هسته‌ای را افزایش داده است؛ مطالبه‌ای که رئیس جمهور مستعفی یکی از مخالفان جدی آن بود.

پیامدهای اقتصادی و دیپلماتیک

اعلامیه یون، علاوه‌بر حوزه سیاســـی، ضربات سنگینی به وضعیت اقتصادی و دیپلماتیک کره جنوبی وارد کرد. ارزش یوآن کره به‌شدت کاهش یافت و به بالاترین نرخ مبادله خود در برابر دلار طی دو سال اخیر رسید؛ حرکتی که بیش از نوسانات معمول بازار را نشان می‌داد. صندوق‌های قابل معامله در بورس مرتبط با کره جنوبی تا ۵ درصد کاهش یافتند و شاخص KOSPI سقوط کرد که نشان‌دهنده کاهش گسترده اعتماد سرمایه‌گذاران به ثبات بازار داخلی بود.

در سطح بین‌المللی، این بحران ضربه‌ای ویرانگر به تصویر طراحی‌شده آمریکا برای کره جنوبی به‌عنوان الگوی دموکراسی و یک «دولت محوری جهانی» وارد کرد. کشورهای همسایه بیانیه‌هایی صادر کرده و نگرانی‌های عمیق خود را ابراز کرده‌اند، ضمن اینکه اقدامات سئول را مخالف احساسات عمومی دانسته‌اند. کورت کمپبل، معاون وزیر امور خارجه ایالات متحده، به‌طور علنی اقدامات یون را «غیرمشروع» و «اشتباهی بزرگ» خواند که بیشتر به اعتبار بین‌المللی کره آسیب زد. دیپلماسی در سطح نشســـت‌ها تقریباً متوقف شده به‌طوری که چندین رهبر بین‌المللی بازدیدهای برنامه‌ریزی‌شده خود از کره را به تعویق انداخته یا به کلی لغو کرده‌اند. به‌ویژه، نخست‌وزیر ژاپن دیدار برنامه‌ریزی‌شده ژانویه خود را لغو کرده است. چشم‌انداز عادی‌سازی تعاملات دیپلماتیک در سطح نشست‌ها، به‌ویژه با نخست‌وزیر هان داک-سو که به‌صورت عملکردی به‌عنوان رئیس جمهور موقت خدمت می‌کند، چالش‌برانگیز به نظر می‌رسد.

ضربه به اعتبار ایالات متحده؟

ماه‌های پیش‌رو نقطه‌عطف حساسی برای سئول است. با توجه به تشدید پیامدهای اقتصادی و دیپلماتیک ناشـــی از اعلام حکومت نظامی، دولت باید به سرعت ساختار خود را بازسازی کند و در میانه استعفای وزرای فعلی و به‌منظور کاهش بی‌ثباتی نهادی به روند عادی اداره امور بازگردد. وزارت اقتصاد و دارایی، همراه با بانک مرکزی کره که نقش آن‌ها تحت‌تأثیر تحقیقات جاری قرار نگرفته، باید سریعاً سیاست‌هایی را برای عادی‌سازی فضای اقتصادی اجرا کنند. به طور همزمان، وزارت امور خارجه باید با نشـــان دادن انعطاف‌پذیری در مواجهه با چالش‌های دموکراتیک، اعتبار بین‌المللی را بازسازی کند.

وبسایت Council on Forign Relation در سرمقاله‌ای در ماه اکتبر و پیش از انتخابات آمریکا درباره تضعیف اتحاد کره جنوبی و آمریکا به عنوان یکی از دولت‌های زیر مجموعه ایالات متحده، پس از پیروزی ترامپ هشدار داده بود. نویسنده در این مقاله با اشاره به اینکه ضربه به ساختار و امنیت کره جنوبی، ضربه به اعتبار آمریکا برای کل هم‌پیمانانش اســـت، حفظ کره را برای ایالات متحده ضروری دانست و نوشت: «متحدان و شرکای آمریکا در سراسر جهان به دقت نظاره‌گر نحوه مدیریت روابط واشنگتن با سئول توسط دولت بعدی ایالات متحده خواهند بود. رئیس جمهور بعدی ایالات متحده فرصت دارد پیامی درباره اهمیت اتحادها و ارزش تعهدات و کلمات آمریکا ارســـال کند. شکست در انتقال این پیام پیامدهای عظیمی برای اعتبار و رهبری آمریکا خواهد داشت.» حال با تغییر ســـکاندار کاخ سفید و نیز استعفای رئیس جمهور یون که متحد جدی و حافظ منافع واشنگتن در کره و کل منطقه اقیانوس آرام بود، باید دید چه سرنوشتی برای این مهم‌ترین متحد استراتژیک آمریکا رقم خواهد خورد.